# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc428871026)

[شخصیت امیرالمؤمنین (ع) 2](#_Toc428871027)

[عوامل اصلی مقاومت و مقابله در برابر امام علی (ع) 2](#_Toc428871028)

[انحرافات جامعه بعد از پیامبر (ص) 3](#_Toc428871029)

[دوران خلافت امام علی (ع) 4](#_Toc428871030)

[دوران خلافت امام علی (ع) در شرح نهج البلاغه ابن حدید 4](#_Toc428871031)

[خوارج و امام علی (ع) 5](#_Toc428871032)

[دردهای امام علی (ع) در نهج البلاغه 6](#_Toc428871033)

[خطبه دوم 7](#_Toc428871034)

[انقلاب اسلامی 8](#_Toc428871035)

[امربه‌معروف و نهی از منکر 9](#_Toc428871036)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# شخصیت امیرالمؤمنین (ع)

روز 19 ماه رمضان به حضرت امیرالمؤمنین (ع) تعلق دارد و از زندگی حضرت علی (ع) باید درس‌هایی بگیریم که برای امروز ما و تداوم انقلاب لازم و ضروری است. شخصیت امیرالمؤمنین (ع) از دیدگاه‌ها و زوایای مختلف باید موردبحث و توجه قرار بگیرد. برای ما و همه واضح و روشن است، موافقین و مخالفین حضرت علی (ع) این را قبول دارند که مانند علی (ع) در تاریخ اسلام کسی نبوده است و در همه ابعاد شخصیت او یک برجستگی وجود داشت که هیچ‌کس به‌پای او نمی‌رسید. در سوابق جهاد درراه خدا، ایمان به اسلام و رسالت رسول اکرم (ص) در فصاحت، بلاغت، علم، دانش، قضاوت، زهد، پارسایی، تقوا در فرمانداری رهبری مسلمین امتیازاتی در علی بن ابیطالب (ع) جمع بود که در دیگران یا مطلقاً نبود یا اگر هم بود در آن درجه و امتیاز نبود.

سرسخت‌ترین مخالفان حضرت امیرالمؤمنین (ع) وقتی‌که در مجالس خصوصی‌شان بودند بهترین و زیباترین تعریف‌ها را از حضرت علی (ع) انجام می‌دادند و می‌دانستند با چه کسی می‌جنگند. هم اصحاب جمل، طلحه، زبیر و عایشه و هم اصحاب صفین و معاویه و عمر و عاصی و خود خوارج شاید بهتر از ما حضرت را می‌شناختند. این‌ها درحالی‌که به عظمت و شخصیت مولا واقف و آگاه بودند اما درعین‌حال هواهای نفس و محبت دنیا و همان تعبیری که در خطبه شقشقیه خود حضرت دارد:

**«وَ لَکنِ احْلَوْلَتِ الدُّنْیا فِی أَعْینِهِمْ وَ رَاقَهُمْ زِبْرِجُهَا»[[3]](#footnote-3)**

حضرت فرمود: آن‌ها می‌دانستند و آیات قرآن را خوانده بودند و از مقامات و مراتب و فضائل علی (ع) آگاه بودند اما درعین‌حال یک‌پرده‌ای از هوای نفس و شیرینی دنیا جلوی چشمان آن‌ها را گرفت و آن‌ها را از حقیقت بازداشت.

# عوامل اصلی مقاومت و مقابله در برابر امام علی (ع)

درواقع دو عامل در برابر علی بن ابیطالب (ع) منشأ مقابله و مقاومت شد.

1) جهل و نادانی نسبت به مقامات علی بن ابیطالب (ع) عامل اصلی مقابله در برابر حضرت بود این اولین درس و نکته در سیره زندگی امیرالمؤمنین (ع) است که مقابله و جنگ با علی (ع) و شمشیر کشیدن بر روی علی (ع) و یاران او به جهل و نادانی زیاد برنمی‌گشت برای اینکه آنان که به جنگ با علی (ع) برخواستند، حداقل بزرگانشان حضرت علی (ع) را می‌شناختند. پس آن چیزی که باعث شد آن‌ها در برابر حضرت بایستند، کینه‌ها و عقده‌های سابق بود که از حضرت علی (ع) در دل داشتند.

2) حلاوت دنیا و مطاع دنیا دومین عامل است، آن‌ها می‌دانستند که ضربه به حضرت علی (ع) ضربه به پیامبر (ص) بود و اگر فرصت پیدا می‌کردند در مقابل پیامبر (ص) می‌ایستادند ولی این شرایط پدید نیامد که این منافقین و وابستگان به بنی‌امیه و صاحبان عقده و کینه و عداوت نسبت به اسلام در برابر پیامبر (ص) قد علم کنند. همه آن‌ها در یک صف ایستادند تا بعد از پیامبر (ص) وارد معرکه شوند و به آن‌کسی که شایستگی رهبری و هدایت امتی را دارد به او ضربه بزنند. ضربه حضرت علی (ع) ضربه به پیامبر (ص) بود، محو نام و نشان علی بن ابیطالب (ع) درنهایت به محو رسم و نشان پیامبر اسلام (ص) برمی‌گشت و امیرالمؤمنین (ع) طبق آن چیزی که خود فرمودند: مصالح جامعه اسلامی و یکدستی جهان اسلام را در برابر انواع و اقسام دشمنانی که اطراف عالم اسلام را گرفته بودند را ترجیح می‌دادند.

**«فَصَبَرْتُوَ فِی الْعَینِقَذی وَ فِی الْحَلْقِ شَجی؛»[[4]](#footnote-4)**

درحالی‌که می‌دیدند که میراث امامت و ولایت و خلافت رسول‌الله (ص) حق مسلم من بود، می‌دیدم که با غارت و تاراج می‌برند اما برای مصالح جامعه و به خاطر عهدی که به پیامبر (ص) به من کرده بود سکوت کردم و در خانه نشستم. در آن مقطع طولانی تعبیر مولا در خطبه شقشقیه این است که مقطعی بود که پیرها به حد مرگ می‌رسیدند و جوان‌ها پیر می‌شدند، یک دوره از تاریخ سپری می‌شود و امیرالمؤمنین در حد گذراندن یک نسل سکوت کردند.

# انحرافات جامعه بعد از پیامبر (ص)

وقتی‌که این دوران انحراف از ولایت و رهبری سپری شد خود مردم هم در مناطقی مثل مدینه و مکه و هم در سرزمین‌های دورتر احساس کردند بعد از پیامبر (ص) امام علی (ع) از امور جامعه برکنار بود که خسارت‌های زیادی در ابعاد مالی و معنوی به جامعه اسلامی وارد کرد. با چشمان خود دید که آنچه به بار آمده آن چیزی نبود که پیامبر (ص) می‌خواست، کسانی که روی کارآمدند کسانی نبودند که پیامبر (ص) آن‌ها را معرفی کرده بود، انحرافات را به چشم دیدند و طعم تخلفات و انحرافات را با همه وجودشان احساس کردند، با همین دیدگاه و تجربه به‌سوی حضرت علی (ع) بازگشتند.

این برای حضرت علی (ع) بر اساس آن پیش‌بینی که داشت روشن بود که این جماعت در حکومت باطل پرورش‌یافته‌اند، این نسلی که بر اساس معیارهای غیر اسلامی پرورش‌یافته‌اند، این‌ها آن‌گونه که باید نمی‌توانند زیر بار حق بروند و مقاومت درراه علی (ع) داشته باشند و به همین دلیل برای حضرت سنگین بود که بعد از آن‌دوران، زیر بار امامت و ولایت و خلافت برود و بعد از قتل خلیفه سوم هم برای مدتی مقاومت کرد و گاهی هم می‌فرمود: آینده تاریکی رویاروی ماست و ما مقابل حوادث و نیرنگ‌های رنگارنگ قرار داریم، حضرت از زیر بار این امر شانه خالی می‌کردند به دلیل اینکه هم اتمام‌حجت کنند و هم به مردم گوشزد کنند که آینده رنگارنگ است و مردان وزنانی می‌توانند گرداگرد علی (ع) را بگیرند که اهل مقاومت باشند و بصیر و خبیر باشند و در فتنه‌ها و تغییر و تحولات بایستند. این‌گونه با حضرت علی (ع) بیعت کردند و دوره خلافت علی بن ابیطالب که دوره کوتاهی است شروع می‌شود.

# دوران خلافت امام علی (ع)

امیرالمؤمنین (ع) وقتی‌که خلافت را به دست می‌گیرد اولین کسانی که هیچ انتظار نمی‌رفت در برابر علی (ع) قد علم کنند و از بیعت‌کنندگان حضرت علی (ع) بودند. طلحه و زبیر بودند که بیعت را شکستند و با خود عایشه را که عقده‌هایی از حضرت علی (ع) داشت علی‌رغم آن‌همه آگاهی که از حضرت علی (ع) داشتند بیعت را شکستند. شاید مانند عایشه کمتر کسی پیدا شود که همه زوایای زندگی پیامبر (ص) و ارتباط او را با حضرت علی (ع) بداند. بسیاری از فضایل حضرت علی (ع) در کتب اهل سنت از عایشه نقل‌شده است:

**«وَ لَکنِ احْلَوْلَتِ الدُّنْیا فِی أَعْینِهِمْ وَ رَاقَهُمْ زِبْرِجُهَا»[[5]](#footnote-5)**

دنیا جلوی چشم آن‌ها شیرین شد و این شیرینی دنیا آن‌ها را وادار کردند که در مقابل حضرت بایستند این همان امتحان الهی است و همیشه باید متوجه باشیم که مبادا در گردانه امتحانات پایمان بلغزد و مصالح دنیا ما را از مسیر صحیح و راه درست منحرف کند.

در اول خلافت حضرت مردم با آن حضرت بیعت کردند. اولین جنگی که پیش آمد جنگ جمل بود، اولین برخورد مردم کوفه با حضرت علی (ع) و آخرین برخورد مردم هنگام شهادت را ببینید، این دو برخورد برای ما درس بسیاری دارد و عمده عرض من تکیه‌بر این دو تابلوی تاریخی است.

# دوران خلافت امام علی (ع) در شرح نهج‌البلاغه ابن حدید

ابن عباس در شرح نهج‌البلاغه ابن حدید نقل می‌کند: وقتی مردم با حضرت بیعت کردند طلحه و زبیر برای جنگ رفتند و عایشه را هماهنگ کردند و ترتیب یک جنگ را دادند. این اولین اقدامی است که حضرت علی (ع) در برابر بیعت شکنان انجام می‌دهد. حضرت حرکت کردند و به لشکرگاه که در خارج از شهر بود رفتند و بعد به مردم کوفه پیام دادند که بسیج شوید برای جنگ با بیعت شکن‌ها، برای آن‌هایی که همه شما شاهد و ناظر بودید که با من به اصرار بیعت کردند.

ابن عباس می‌گوید: به حضرت گفتم که گمان نمی‌برم از مردم کسی برای مقابله با شما بیایند. حضرت فرمودند: که خواهد آمد و تعداد آن را هم تعیین می‌نمایند. حضرت می‌فرماید: 6560 رزمنده و عضو لشکر به اینجا خواهد آمد. بعد از چند روز که لشکر تشکیل و تجهیز شدند آن‌ها را شمردند و دیدند که همان پیشگویی حضرت محقق شد.

حضرت در اردوگاه چندجمله‌ای را خطبه خواندند:

**«مَرحَبا بِأهل الکوفَة بُیوتاتِ العَرَبَ وَ وجوه‌ها»[[6]](#footnote-6)**

«آفرین بر شما مردم کوفه و بزرگان کوفه و صاحب فضل و شما مردمان کوفه از پیشگامان مودت رسول خدا (ص) و اهل‌بیت او هستید.»

**«وَ لِذلِک بَعَثتَ إِلَیکم وَ استصرختکم عِندَ نَقضَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ بَيْعَتِي‏ »[[7]](#footnote-7)**

من چون این سوابق درخشان شما را دیدم به شما به‌عنوان پیروان اهل‌بیت و پایبند به بیعت خودم نگاه می‌کردم. شما را دعوت کردم، برای مقابله با طلحه و زبیر و کسانی که بیعت مرا شکستند و اگر شما هم مقاومت نکنید، من به سرزمین‌های دیگر امید بسته‌ام که کار این بیعت شکنان را به پایان برسانند. این‌گونه بود که لشکر طلحه و زبیر شکست خوردند و کار آن‌ها به پایان رسید. بعد از بازگشت حضرت طبعاً اولین و مهم‌ترین نقشه حضرت در طول حکومتش مقابله با معاویه بود و بدیهی است که بعد از کنار زدن بیعت شکنان حضرت به دنبال آن کار اصلی که شکستن معاویه باشد برود. چون معاویه مرکز قدرت و خطر مهم برای عالم اسلام هستند، طبیعی است که حضرت در اولین فرصت بسیج عمومی می‌کند و مردم را به جنگ دعوت می‌کند و بازهم مردم باعلاقه و رغبت بسیار همراه حضرت علی (ع) حرکت می‌کنند و به‌طرف جنگ صفین می‌روند. در جنگ صفین هم تا قبل از جریان حکمیت تمام مردمی که در لشکر علی (ع) بودند یکدست و در صف واحد در برابر دشمنان خدا ایستادند و درحالی‌که در آستانه پیروزی بودند و نزدیک بود که مالک اشتر و یاران حضرت جنگ را به پایان برند ناگهان قرآن‌ها بالای نیزه قرار گرفت. اینجاست که جهل و ناآگاهی‌های موجود در اصحاب حضرت علی (ع) خود را نشان دادند و گفتند اکنون‌که قرآن به میان آمده ما نمی‌جنگیم. اگر در میان مردم آن ناآگاهی و بی‌توجهی رشد کند و دوری از دستورات رهبری کار به‌جایی می‌رسد که رهبری چون علی (ع) خود را عاجز می‌بیند و این از جملاتی است که از حضرت در جریان حکمیت نقل‌شده است: من دیروز آمر و حاکم بودم ولی اکنون دست‌های من بسته است، امروز محکوم و مأمورم و حضرت به‌ناچار حکمیت را پذیرفت و این‌گونه بود که قضیه خوارج شروع شد.

# خوارج و امام علی (ع)

حضرت علی (ع) مجبور شدند که به جنگ خوارج و افراد بی‌اندیشه که در مقابل رهبری خود قد علم کرده بودند بپردازد. جنگی که با خوارج شروع شد جنگ موفقی بود، ولی مشکل کار این بود که بعد از جنگ نهروان آن‌هایی که خارجی نشده بودند و به آن‌ها نپیوستند و جزء اصحاب حضرت بودند این‌ها ضعف پیدا کردند که توان ادامه راه را نداشتند. ایمان‌های ضعیف و قلبی که با هوای نفس آغشته شده بود، اینجاست که حضرت علی (ع) اواخر عمر شریفشان است وقتی‌که از جنگ خوارج برگشتند تصمیم داشتند که مجدداً به‌طرف معاویه حرکت کنند، اما اجل مهلت نداد و حضرت به شهادت رسیدند.

# دردهای امام علی (ع) در نهج‌البلاغه

آن گله‌ها، شکوه‌ها و دردها که حضرت در چندین خطبه نهج‌البلاغه دارد ازجمله خطبه 34 همه این‌ها مربوط به بعد از جریان حکمیت و بیشتر بعد از جنگ نهروان است، طوری که حضرت احساس می‌کند که کوفه در دست او نیست، قلب‌های مؤمنی که در جنگ صفین برای خدا شمشیر می‌زدند و عمار و یاسرهایی که می‌گفتند این جنگ مانند جنگ‌های زمان پیامبر (ص) است. این‌ها دیگر تمام‌شده و روحیه مردم سست و ضعیف شده است. آخر کار به‌جایی می‌رسد که وقتی از جنگ نهروان برمی‌گردند حضرت می‌فرماید:

**«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَ اللَّهَ قَدْ أَحْسَن»[[8]](#footnote-8)**

مردم کوفه خدا شما را در جنگ نهروان هم موفق کرد. و این گروه انشعابی منحرفی که در داخل جنگ صفین پیدا شد این‌ها هم به دست شما شکست خوردند.

**«فَتَوَجَّهُوا مِنْ فَوْرِکمْ هَذَا إِلَی عَدُوِّکم»[[9]](#footnote-9)**

مردم سریع بسیج شدند برای جنگ با معاویه و وقفه‌ای نباید در جنگ پدید آید تا کار معاویه ساخته شود. وقتی‌که حضرت این کلمات را بیان می‌کردند مردم بهانه آوردند و یک موجی از مخالفت و بهانه‌ها در میان لشکر و اهل کوفه به راه می‌افتد و این مبدأ غصه‌های بی‌نهایت علی (ع) است. حضرت در همین‌جاست که آن آیات مربوط به حضرت موسی (ع) و بنی‌اسرائیل را که وقتی‌که به بنی‌اسرائیل خطاب آمد که بعد از شکست فرعون به‌طرف سرزمین مقدس فلسطین بروند، این‌ها گفتند:

**«قَالُوا یا مُوسَی إِنَّ فیها قَوْمًا جَبَّارِینَ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّی یخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ یخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ»[[10]](#footnote-10)**

در این سرزمین عده‌ای مردم جبار و ظالم وجود دارد که ما توان جنگ با آن‌ها را نداریم. شما با برادرتان بروید با آن‌ها بجنگید و زمینه را آماده کنید تا ما بیاییم، این‌ها بهانه‌ای بود که مردم بنی‌اسرائیل آوردند.

حضرت این آیات مربوط به حضرت موسی (ع) و بنی‌اسرائیل را منطبق بر قوم خود می‌داند و این نشان می‌دهد که آیات و حوادث قرآن درس‌های ماندگار در تاریخ است و در انقلاب ما هم امروز این‌ها زنده‌اند. اگر ما به حقیقت انقلاب و رهبری الهی پشت کنیم و سر وحدت را بشکنیم و از زیر پرچم هدایت الهی بیرون بیاییم همین سرنوشت و سنت الهی در انتظار ماست. امیرالمؤمنین آینده مردم کوفه را نشان می‌دهد، مردمی که تا جایی خوب پیش رفتند اما بعدازآن سست شدند و بیعت شکستند و حضرت به این مردم فرمودند که داستان شما داستان مردمی است که در جنگ با فرعون موفق شدند و اعجاز الهی دست آن‌ها را گرفت.

اما وقتی‌که خطاب آمد که شما به‌طرف یک سرزمین دیگر بروید و به امتحانی را که خدا می‌خواست پشت کردند و حضرت در خطبه 34 می‌فرماید:

**« أُفٍّ لَكُمْ! لَقَدْ سَئِمْتُ عِتَابَكُم‏ »[[11]](#footnote-11)**

وای بر شما، دیگر از صحبت کردن با شما خسته شده‌ام، همان مردمی که مورد تشویق حضرت قرار گرفتند و حضرت فرمودند:

**«مَرحَبا بِأهل الکوفَة بُیوتاتِ العَرَبَ وَ وجوه‌ها»[[12]](#footnote-12)**

و آن تعاریف را از آن‌ها کرد، اکنون در جریان دو یا سه جنگ و چند آزمون الهی آن‌قدر ضعیف شدند که مورد بدترین حساب از امام و رهبرشان قرار گرفتند.

**«** **أَرَضِیتُمْ بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا مِنَ الاْخِرَةِ عِوَضاً؟ وَ بِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلَفاً؟ »[[13]](#footnote-13)**

ای کسانی که شما آن سابقه‌ها را داشتید امروز خود را به این ذلت کشاندید که ذلت را برای آرامش چندروزه می‌پذیرید.

**«وَ مَا أَنْتُمْ بِرُکنٍ یمَالُ بِکم»‌[[14]](#footnote-14)**

شما مردم رکنی که شود به شما تکیه کنم نیستید و عاقبت حضرت علی (ع) در میان همین مردم و به دست باقی‌مانده خوارج به شهادت رسید. سلام و درود خداوند بر تو در آن لحظه‌ای که در محراب عبادت شمشیر بر فرق مبارک فرود آمد، خون از فرق حضرت جاری شد به‌طرف صورتی که پیامبر (ص) فرمود نگاه به علی (ع) عبادت است.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[15]](#footnote-15)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# انقلاب اسلامی

در اینجا چند نکته را بیان می‌کنم که اولین نکته یادآوری مجدد در مورد انقلاب و دهه فجر است. همان‌طور که گفته شد ما از مردم کوفه و وضعیت زمان علی (ع) برای تداوم انقلابمان درس بگیریم و بقایای یک انقلاب و سلامت یک مملکت و سعادت انسان‌ها در این است که در مسیر الهی که قدم گذاشتند تا آخر مقاومت کنند و درصحنه‌های گوناگون امتحان الهی روی برنگردانند. آنچه ما در این ایام دهه فجر به آن توجه داشته باشیم این است که تاریخ مانند آن زمان تکرار می‌شود و ما باید مقاوم و درس‌های لازم را بگیریم. ما باید عمق آنچه در کشور اتفاق افتاد توجه داشته باشیم و بدانیم که این پیروزی دست خدا و اعجاز الهی بود که ملتی حقیر و وابسته دست شیطان‌ها آزاد شد. ملتی که سرنوشت و مقررات سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی او به دست بیگانگان بود. این ملت با لطف و عظمت خدا به اوج عظمت رسید و بندهای اسارت را پاره کرد و به ملتی مستقل و خبیر و آگاه مبدل شد.

سال 56 و 57 یک نسیم الهی بر این ملت رسید و دستی از آستین غیب بیرون آمد و در تاریخ امروز و این قرن اعجازی تحقق شد که در تاریخ کم‌سابقه است و نظیر آن را باید در زمان حضرت موسی (ع) و پیروزی پیامبر (ص) در صدر اسلام سراغ گرفت. خواست خداوند بود که رهبری باایمان، صلابت، علم، دانش و آینده‌نگری ظهور پیدا کند و در قلب مردم شعاع ایمان و معنویت الهی بتپد و حرکت کنند این فقط توفیق الهی بود.

در این شرایط آنچه ما باید بدان توجه داشته باشیم این است که راه انقلاب اسلامی، راه تداوم اسلام در دنیا و این کشور دشواری سختی دارد. آن‌کسانی که دست‌اندرکار امور این کشور هستند باید متوجه باشند که این چه اعجاز و چه لطف و عنایت خداوند بود و این نعمت را ارزان از دست ندهیم که عقوبت سخت الهی دارد.

مبادا مانند اهل کوفه شویم همان مردمی که زمانی امام از آن‌ها تعریف می‌کرد، امروز هم مقام رهبری (دامت ظله) از این مردم اظهار رضایت می‌کند. مبادا با انحرافات و تخلفات و یا به هم ریختن صفوفمان مبدل به مردمی مانند مردم کوفه شویم، این هشدار و خطری است که از زندگی علی باید بگیریم و متوجه باشیم که مبادا به آفت‌ها دچار شویم و ارزش‌ها را فراموش کنیم. مبادا یاد شهدا و جنگ و جهاد درراه خدا از ذهن ما محو شود. مبادا فحشا و فساد و منکرات صفوف ایمان ما را از بین ببرد و در ما نفوذ کند.

این را توجه داشته باشیم که اگرچه دشمنان و مستکبرین در مقابل ما قد علم کنند و برای ما نقشه‌ها بکشند و توطئه کنند این‌ها هیچ‌کدام چیزی نیست اما فساد و تخلف از مقررات الهی و سست شدن و یأس و ناامیدی از انقلاب و اسلام برای ما خطرناک است. بحمدالله به لطف و عنایت خدا علی‌رغم خواسته و برنامه‌ای که دشمنان طرح کرده بودند شما مردم رشید ایران قریب 20 سال است که یکپارچه و متحد و بادل‌هایی پر از امید به لطف خدا در برابر دشمنان ایستاده‌اید و این امید در آینده هم خواهد بود.

# امربه‌معروف و نهی از منکر

در اینجا عرض می‌کنم که فریضه امربه‌معروف و نهی از منکر را بر پاداریم و امربه‌معروف و نهی از منکر را به دیگران محول نکنیم و خود را متصدی حفظ ارزش‌های الهی بدانیم. این نکته امربه‌معروف و نهی از منکر باید سرلوحه کار قرار گیرد، اقامه نماز و حفظ وحدت و انسجام و پدیده امربه‌معروف و نهی از منکر باید در این ماه رمضان و دهه فجر به‌عنوان اصلی‌ترین وظیفه خود تلقی کنیم و در آستانه امتحانات و آزمایش‌های متعددی قرار داریم که ان‌شاءالله با موفقیت وارد آن آزمایش شویم.

اولین چیزی که در پیش روداریم و به‌عنوان سنبل مقاومت این ملت در مقابل دشمنان اسلام در دنیا تلقی می‌شود دو راهپیمایی سرنوشت‌ساز و بسیار مهم 22 بهمن و روز قدس است. این دو روز در سال برای دنیا بسیار مهم است و دشمنان و دوستان شما مردم اسلام به این دو روز چشم‌ها دوخته‌اند. توصیه من این است که روز 22 بهمن روز شهادت آن مولا و امام متقین است درصحنه‌های دفاع از رهبری و اسلام و قرآن کریم حاضر شوید. شب را با قرآن به سر گذاشتن و احیا سپری کنید و روز را با گام‌های استوار در صفوف مقابله با دشمنان خدا حاضر شوید این نشانه انسان مؤمن است.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. سوره حشر، آیه 18** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. معانی الأخبار، ص 362** [↑](#footnote-ref-3)
4. .نهج البلاغه ، خطبه سوم [↑](#footnote-ref-4)
5. **. معانی الأخبار، ص 362** [↑](#footnote-ref-5)
6. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 2، ص 188 [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان [↑](#footnote-ref-7)
8. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 2، ص 192 [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره المائده، آیه 22 [↑](#footnote-ref-10)
11. . الذریعة إلی حافظ الشریعة (شرح أصول الکافی جیلانی)، ج 2، ص 19 [↑](#footnote-ref-11)
12. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 2، ص 188 [↑](#footnote-ref-12)
13. . الذریعة إلی حافظ الشریعة (شرح أصول الکافی جیلانی)، ج 2، ص 19 [↑](#footnote-ref-13)
14. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید ج 2 189 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-15)